

# زنان صالح در قرآن

دکتر محمد مهدی مرادی خلج

استادیار دانشگاه شیراز

## چکیده

قرآن کریم در ۶۳ آیه، از زنان صالح یاد کرده است. این آیات شامل تعداد نه زن می‌شود که به جز یک نفرشان (همسر فرعون)، بقیه از خاندان پیامبران بوده‌اند؛ یعنی مادر بزرگ، مادر، خواهر و دختران پیامبران. از این عده، پنج زن در ارتباط با حوادث ایام حیات حضرت موسی یاد شده‌اند که به ترتیب نقش‌آفرینی شامل مادر و خواهر موسی، همسر فرعون، همسر و خواهر همسر موسی (دختران شعیب) می‌باشند. چهار زن دیگر یاد شده عبارتند از: همسر ابراهیم پیامبر (مادر اسحاق)، همسر زکریای پیامبر (مادر حضرت یحیی)، همسر عمران (مادر مریم و مادر بزرگ حضرت عیسی) و حضرت مریم (مادر حضرت عیسی). از این عده، فقط از حضرت مریم با ذکر نام یاد شده است و از دیگر زنان، با نسبت دادن آنها به مردان و بدون ذکر نامشان سخن رفته است. بررسی آیات مربوط به زنان صالح که تقریباً یک‌سوم کل آیات مربوط به زنان در قرآن را شامل می‌شود، بیانگر نقش آنها در طهارت زایش، پرورش و بالش پیامبران است. این پژوهش در صدد شناسایی این نقش‌ها و چگونگی آن است. از این رو، به بررسی آیاتی می‌پردازد که مشتمل بر احوال این زنان است. در تحقیق حاضر از شیوه تفسیری و تحلیل زبان‌شناختی بهره گرفته شده است.

**کلیدواژه‌ها:** همسر ابراهیم، مادر موسی، خواهر موسی، همسر فرعون، همسر موسی، همسر عمران، همسر زکریا، حضرت مریم.

## مقدمه

تأثیر زن به عنوان نیمی از پیکره اجتماع بشری امری غیرقابل انکار است، اما سطح این تأثیر و کیفیت آن از جمله مسائلی است که بستگی تام به فرهنگ جوامع و بنیادهای فکری آن دارد. اگر از اشاراتی مبهم که در مطالعات مردم‌شناسی به گذشته کوتاه زن‌سالاری در تاریخ بشری شده است بگذریم، عمده تاریخ حیات انسان‌ها با مردسالاری عجین بوده است. قرآن کریم نیز در دورانی نازل گردیده که فرهنگ مردسالاری در گستره جغرافیایی مخاطب پیامبر خاتم حاکم بوده است. در این فرهنگ، عنصر «زن» به عنوان انسانی فرودست نسبت به مردان به حساب می‌آمده و از این‌رو، تولد دختران مورد کراهت بوده است و چون به کسی خبر زاده شدن دختری را می‌دادند چهره‌اش برافروخته و خشمناک می‌شد. «وَ إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَ هُوَ كَظِيمٌ» (نحل: ۵۸)؛ «وَ إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَ هُوَ كَظِيمٌ» (زخرف: ۱۷) فرودستی منزلت زن به امری معیشتی نیز پیوند داشت؛ چراکه او را انسانی نان‌خور و نه نان‌آور می‌شناختند و از این‌رو، با توجیه معیشت‌مدارانه و از ترس ناداری<sup>۱</sup> مبادرت به کشتن دختران می‌کردند. قرآن در چنین فضای فرهنگی و با نگاهی مبتنی بر اعتدال، نمونه‌هایی از دو دسته زنان معرفی می‌نماید؛ زنانی که به تعبیر این مقاله «زنان صالح» اند و در برابر آنها «زنان طالح» قرار دارند. مقاله در صدد معرفی دسته اول از این زنان است. شیوه کار در این معرفی، برشمردن آیات مرتبط با این زنان در قرآن است و نیز بهره‌گیری از تفاسیر، ترجمه‌های قرآن، روایات، کتب قصص قرآن و نیز فرهنگ‌ها و معجم‌های قرآنی. در مراجعه به تفسیرها نیز تلاش گردیده به آثار مفسران متقدم و معاصر رجوع شود تا

۱. دو آیه در قرآن به موضوع کشتن فرزندان از ترس ناداری و عدم توان مالی در اداره آنها پرداخته است: «لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَ إِيَّاهُمْ» (انعام: ۱۵۱) و «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ حَسْبَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَ إِيَّاهُمْ» (اسراء: ۳۱)

تأثیر احتمالی زمان در تفسیر آیات مربوطه نیز از نظر دور نیفتاده باشد. در مواردی نیز نیاز به مراجعه به کتب عهدین بوده، که این مهم نیز انجام گرفته است. مقاله اگرچه منحصراً به زنان صالح می‌پردازد، اما با ارائه آماری از زنان صالح و طالح، به ثقل توجه قرآن در امر فرهنگ‌سازی امعان نظر کرده است. شایان ذکر است که نمونه‌های یادشده زنان صالح در قرآن مربوط به زنان صالحی است که مرتبط با پیامبران است و به دیگر زنان صالح پرداخته نشده است.

### آمار و واژگان زن در قرآن

قرآن مجید در حدود ۱۹۶ آیه راجع به زنان سخن گفته است که شامل موضوعاتی به شرح ذیل است:

احکام زنان، آفرینش زن، حقوق زنان، حجاب، زنان بهشتی، زنان اهل کتاب، زنان مستضعف، زنان پیامبر خاتم و دیگر پیامبران، زن و صاحبان قدرت، زن در قیاس با مرد، موارد منفی‌نگری به زن، دختر در نزد امم، تعدد زوجات، رابطه زن و مرد، همسررداری، طلب معاش زنان، سلوک با زنان، و نیز برشماری مصادیقی از زنان شایسته (صالح) و ناشایسته (طالح).

آیاتی که به موضوع زنان می‌پردازد نیز ذیل واژه‌هایی همچون: نساء، امرأة، ام، مؤمنات، صالحات، انثی، بنات، زوجه، اخت و... آمده‌اند. آیاتی که به مصادیق زنان شایسته (صالح) و ناشایسته (طالح) پرداخته‌اند، جمعاً شامل ۷۴ آیه می‌شود که از آن میان ۱۱ آیه مربوط به زنان طالح است و ۶۳ آیه باقی‌مانده به معرفی زنان صالح می‌پردازد. نقطه اشتراک این دو دسته زنان، ارتباط آنها با پیامبران است. دو تن از چهار زن طالح که در قرآن به آنها اشاره شده، همسران نوح و لوط هستند و دو تن دیگر، یکی زن عزیز مصر در داستان حضرت یوسف است و دیگری زن ابولهب در ارتباط با پیامبر خاتم. آیات مربوط به زنان صالح شامل ۹ زن، یعنی همسر ابراهیم، مادر و خواهر موسی، همسر فرعون، دختران شعیب همسر عمران (مادر مریم)،

مریم، همسر زکریا (مادر یحیی و خاله مریم) است. در واقع، آیات مربوط به زنان صالح آیاتی هستند که مرتبط با ۵ تن از پیامبران می‌باشند و بیشترین تنوع آیات در این باره مربوط به حضرت موسی (مادر و خواهر موسی، همسر فرعون و دختران شعیب) است.

در بررسی آماری تعداد آیات، بیشترین تعداد آیات مربوط به حضرت مریم (۳۶ آیه) و کمترین آیات مربوط به همسر فرعون و عمران (هر کدام ۲ آیه) است. دیگر آیات به ترتیب شامل مادر موسی (۹ آیه)، دختران شعیب (۸ آیه)، همسر ابراهیم (۵ آیه)، همسر زکریا (۴ آیه) و خواهر موسی (۳ آیه) می‌باشد. شایان ذکر است که برخی از آیات یادشده همپوشانی دارند؛ مثلاً سه آیه‌ای که راجع به خواهر موسی است، ضمن مباحث مربوط به مادر موسی آمده است. همچنین یک آیه از سه آیه مذکور به دختران شعیب نیز پرداخته است. در دو آیه مربوط به همسر عمران نیز به مسئله مریم به عنوان فرزند او پرداخته شده است. در این میان، آیات مربوط به حضرت مریم علاوه بر فزونی کمی، از نظر کیفیت و موضوع نیز با سایر آیات مربوط به زنان متفاوت است، در حالی که در آیات مربوط به زنان دیگر، از آنها به تبع مردان یاد شده است. آیات مربوط به حضرت مریم با محوریت خود او و معرفی فرزندش عیسی علیه السلام در قرآن آمده است. در معرفی زنان یادشده، ترتیب تاریخی و آموزه‌های مربوط مورد نظر بوده است.

### همسر ابراهیم

آیات مربوط به همسر ابراهیم، شامل آیات ۷۱-۷۳ سوره «هود» (وَإِمْرَأَتَهُ قَائِمَةً فَضَحِكَتْ... حَمِيدٌ مَجِيدٌ) و آیه ۳۰ سوره «ذاریات» (فَأَقْبَلَتِ إِمْرَأَتُهُ...) می‌گردد. لحن این آیات در مقایسه با آیات ماقبل آنها که خطاب به حضرت ابراهیم است از حالت عام خارج شده و به صورت خاص می‌شود و به همسر ابراهیم مزده زایش اسحاق را می‌دهد که او نیز صاحب پسری به نام یعقوب خواهد شد.

از آیات فوق دو نکته به ذهن متبادر می‌شود: یکی، مژدهٔ فرزند به همسر ابراهیم در عین سابقه ناباروری و دیگر، باوریابی زن ابراهیم به این وعدهٔ الهی علی‌رغم امتناع عادی زایش در سنین بالا و سابقه عقیمی.

بنا به روایات، همسر ابراهیم دختر عمو یا دختر خاله آن حضرت بود (کاشانی، [بی‌تا]، ج ۴، ص ۴۳۹/طبرسی، ۱۳۵۱، ج ۱۲، ص ۹۱) و نام وی ساره فرزند هارون یا هاران بوده است. (رازی، ۱۳۶۸، ج ۱۰، ص ۳۰۴/طبرسی، ۱۳۵۱، ج ۱۲، ص ۹۱/کاشانی، [بی‌تا]، ج ۴، ص ۴۳۸/طباطبایی، ۱۳۴۹، ج ۲۰، ص ۲۰۵/نجار، ۱۹۶۶م، ص ۱۱۰)

هر دو دسته آیات، پس از ذکر داستان مهمان شدن فرشتگان بر حضرت ابراهیم آمده است. برابر این آیات، ابراهیم گوساله‌ای را برای مهمانان که برای او ناشناخته بودند بریان کرد و نزد آنان گذاشت. فرشتگان از تناول غذا خودداری کردند و این مایه ترس ابراهیم شد که مبادا آنها قصد سوپی دارند. از این‌رو، فرشتگان حضرت ابراهیم را از این خیال بر حذر داشتند و مأموریت دوگانه خود را اعلام نمودند که یکی از آن دو، خبر فرود آمدن عذاب بر قوم لوط و دیگری، بشارت فرزند به حضرت ابراهیم و همسرش بود.

تبیین شرایط بیولوژیکی ابراهیم و همسرش سازگار با این بشارت نبود؛ چراکه ساره در نهایت عجز و پیری (عجوز) و شوهرش ابراهیم نیز پیرمردی فرتوت بود «أَنَا عَجُوزٌ وَ هَذَا بَعْلِي شَيْخًا» شرایطی که فرزندآوری را به طور طبیعی و عادی ناممکن می‌کند و این امر برای ساره که پیرزنی سترون (عجوز عقیم) بود - یعنی کسی که در جوانی نیز عقیم بوده است - به مراتب امتناع بیشتری داشت. از این‌رو، عکس‌العمل او در برابر این بشارت نیز عکس‌العملی طبیعی و بازخوردی از حیا زنانگی و ناباروری بود: «إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ». ساره پس از شنیدن این بشارت، با فریادی شدید (صره) و به زبان آوردن سخنی از ادات تعجب (یا ویلتی؛ ای وای بر من!) و محکم به صورت خود زدن (فصکت) تعجب خودش را از این خبر باز نمایاند.

مفسران قرآن در اینکه سن ابراهیم و همسرش در این زمان چقدر بوده است اتفاق نظر ندارند، ابوالفتوح رازی از قول محمدبن اسحاق و مجاهد، به ترتیب ۹۲ و ۹۳ سال را برای ساره و سن صد سال را از قول محمدبن اسحاق برای ابراهیم ذکر کرده است. (رازی، ۱۳۶۸ ج ۱، ص ۳۰۵-۳۰۶) تفسیر مجمع‌البیان سن ۹۸ و ۹۹ را برای ساره و ۹۹، ۱۰۰ و ۱۲۰ را برای ابراهیم ذکر کرده است. صاحب منهج‌الصادقین در صفحه ۴۳۸ جلد چهارم، سن ساره را ۹۰ و ۹۹ و سن ابراهیم را ۱۰۰، ۱۱۲ و ۱۲۰ ذکر نموده است، اما همو در صفحه ۴۳ جلد نهم اثر مذکور اعداد عجیب ۹۵ و ۱۹۰ را برای همسر ابراهیم و ایشان ذکر می‌کند که به معنای فاصله ۹۵ ساله سنی آنهاست. طباطبایی از مفسران معاصر نیز از هرگونه ورود به سن حضرت ابراهیم و همسرش خودداری ورزیده است. کمترین رقم سن آن دو را سفر پیدایش تورات ذکر کرده است: ساره ۹۰ و همسرش صد سال. (سفر پیدایش، باب هفدهم، آیه ۱۸)

### مادر موسی

آیات مربوط به مادر حضرت موسی شامل آیات ۳۷ تا ۴۰ سوره «طه» (وَلَقَدْ مَنَنَّا عَلَیْكَ... ثُمَّ جِئْتَ عَلَی قَدَرٍ یَا مُوسَى) و آیات ۷ و ۱۰ تا ۱۳ سوره «قصص» (وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَى... وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَى... وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا یَعْلَمُونَ) می‌باشد. در آیات یادشده صحبت از وحی به مادر موسی علیها السلام است. این وحی نه از نوع وحی ویژه پیامبران است که گفتاری و رسالی باشد (شوری: ۷) و نه از نوع وحی غریزی که شامل غیر انسان می‌شود (نحل: ۶۸)، بلکه به معنای اشاره پنهانی است که در آیه ۱۱ سوره «مریم» آمده (فَخَرَجَ عَلَی قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ...) یا الهام و سروش غیبی که در آیه ۷ سوره «قصص» به آن اشاره شده است. معنای اخیر بیشتر مراد است، آن هم نه به معنای الهام عادی و ساده؛ چراکه داستان تولد و پرورش حضرت موسی نمادی از خواست الهی در غلبه مستضعفان بر مستکبران آمده است: «وَوَرِّدُ أَنْ تُؤْمِنَ عَلَی الَّذِينَ

اسْتَضْعَفُوا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَاهُمْ أَيْمَةً وَجَعَلْنَاهُمْ الْوَارِثِينَ وَتَمَكَّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ.» (قصص: ۵-۶) جبایی این وحی را نوعی القای مأموریت در خواب یاد کرده است که معبران آن را بر مادر موسی تعبیر کرده‌اند. (کاشانی. [بی تا]، ج ۵، ص ۴۸۲ / طبرسی، ۱۳۵۴، ج ۱۸، ص ۱۶۱) یعنی بر اساس این وحی الهامی، مادر موسی می‌بایست تا وقتی که خطری فرزندش را تهدید نمی‌کند او را شیر دهد و پس از احساس خطر و ترس جانی بر او، فرزندش را در صندوقی قرار دهد و به دریا (یا رود نیل) بیندازد، و او چنین کرد.

الهام یادشده ایجاب می‌کرد که مادر موسی با توجه به سیاست اعلام‌شده و در حال اجرای فرعون در کشتن فرزندان پسر (يُدَيِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ)، نه تنها امر بارداری خود را از دیگران مکتوم دارد، بلکه مدیریت این مسئله را تا بدان‌جا پیش برد که پس از تولد فرزند نیز کسی بر این امر آگاه نگردد و بستر ظهور یک انسان رهایی‌بخش و آزادکننده جامعه از ستم فرعون را فراهم آورد. با توجه به جامعه مردسالار آن زمان و عدم ذکری از پدر موسی در آیات قرآن، منزلت مادر موسی در نزد خداوند برای ما بیشتر آشکار می‌شود و تدبیر و رازداری او را در این مأموریت واگویی می‌کند. در سفر خروج تورات از نقش برخی قابله‌ها در نجات‌بخشی پسران و امتناع آنها از اجرای دستور فرعون سخن رفته است و از دو تن به نام‌های «شفره» و «فوعه» یاد می‌کند (باب ۱، آیه ۱۶) که فرمان فرعون (به نهر انداختن هر پسر زاده‌شده و زنده نگه‌داشتن هر دختر) را اجرا نکردند، بلکه پسران را زنده نگاه داشتند. (باب ۱، آیات ۱۶ تا ۲۲) این داده تورات بیانگر آن است که به آب‌اندازی پسران امر متعارفی پس از فرمان فرعون بوده است، اما تمهیدی که مادر موسی به فرمان الهی در افکندن موسی به دریا فراهم آورد، هم موجب جلب توجه به موسی و هم نجات‌بخشی وی گردید.

مرحله دیگر اقدام مادر موسی پس از تمهیدات لازم برای زایش موسی و شیردهی او، اقدام وی در چگونگی افکندن او به دریا پس از احساس خطر بر وجود فرزند و مراقبت از وی و تعقیب سرانجام او پس از افکندن در دریا بود. از این رو، به خواهر موسی گفت که پی گیر چگونگی سرانجام موسی پس از افکندن به دریا باشد و نهایت احتیاط را به منظور جلوگیری از مطلع شدن مأموران فرعون بنماید: «وَقَالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّيهِ فَبَصَّرَتْ بِهٍ عَن جُنُبٍ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ.» (قصص: ۱۱) روایت تورات در چگونگی به دریا افکندن موسی به گونه‌ای دیگر است. بنا به نوشته تورات، مادر موسی دختر لاوی بوده است که به عقد یکی از فامیل‌های خود در آمد و چون موسی را زایید و او را نیکو منظر دید، وی را سه ماه پنهان داشت و چون بیش از آن نتوانست او را پنهان دارد، سبدی از نی ساخت و آن را قیراندود کرد تا آب داخل سبد نشود. سپس پسرش را در آن گذاشت و به کناره نهر در نيزار رها کرد و خواهر موسی از دور ایستاد تا بداند که او را چه می‌شود. دختر فرعون برای آب‌تنی به نهر فرود آمد و دو کنیزش به کنار نهر می‌گشتند. ناگهان چشم دختر فرعون به سبد افتاد. پس یکی از کنیزانش را فرستاد تا آن سبد را از آب بگیرد. تورات در ادامه از نقش دختر فرعون در نجات موسی یاد کرده است. (همان، باب دوم، آیات ۱ تا ۱۰؛ باب ششم، آیات ۱۶ تا ۲۰)

آخرین مرحله اقدام مادر موسی، اعمال تدبیری رازآلود در تکفل امر فرزند و پرورش و بالاش او بود. بر این مهم در سوره «طه» با عبارت «یکفله» و در سوره «قصص» با کلمه «یکفلونه» تصریح شده است. از این رو، می‌بایست مادر موسی در امر شیردهی فرزند پس از برگرفته شدن او از دریا توسط مأموران فرعون و تحویل او به مادر موسی به عنوان دایه چنان عمل کند که شک اطرافیان و شخص فرعون را بر اینکه او مادر موسی است برنینگیزد. این مرحله را نیز مادر موسی چنان به خوبی مدیریت می‌کند که خداوند بالیده شدن حضرت موسی را در نزد مادر و تحت تکفل



او به خود نسبت می‌دهد (لِثَّصَّحَ عَلَيَّ عَيْنِي)؛ یعنی تکفل مادر موسی چنان است که گویی موسی زیر نظر مستقیم خداوند می‌بالد و رشد می‌کند. بنا بر آیات قرآنی، مادر موسی در مراحل بارداری، شیردهی قبل و بعد از افکندن به دریا (ارضعیه)، ساختن صندوقی که موسی را در آن قرار دهد و به دریا افکند (أَن أَقْذِفِيهِ فِي التَّابُوتِ) و به دریا افکندن فرزند و مراقبت در سرانجام او با نهایت درایت و رازداری عمل کرده است تا مشیت الهی در تحقق وعده غلبه مستضعفان بر مستکبران صورت انجام پذیرد.

### خواهر موسی

همان‌گونه که پیش‌تر بیان گردید، آیات مربوط به خواهر موسی با آیات راجع به مادر موسی همپوشانی دارد. این آیات شامل آیه ۴۰ سوره «طه» (إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَن يَكْفُلُهُ... ) و آیات ۱۱ و ۱۲ سوره «قصص» (وَقَالَتْ لِأُخْتِهِ قُصِّيهِ فَبَصَّرَتْ بِهِ عَنِ يُنُبِّ وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ، وَ حَرَمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِن قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُوهُ لَكُمْ وَ هُمْ لَهُ نَاصِحُونَ) می‌باشد.

نقش خواهر موسی در ادامه مأموریت مادرش بود. پس از آنکه مادر موسی از ترس در خطر افتادن فرزندش او را در صندوقی قرار داد و به دریا افکند، به خواهر موسی گفت که پی او را بگیرد (قصیه) و او دورادور، به نحوی که مأموران حکومتی متوجه مراقبت او از موسی نشوند، صندوق حامل موسی و پی‌گیری سرانجام او را در دیده داشت.

مأموریت دوم خواهر موسی، راهبرد تکفل شیردهی موسی از طریق مادرش بود تا دلواپسی مادر زدوده شود و از غم فراق فرزند رهایی یابد: «كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَ لَا

## همسر فرعون

از همسر فرعون در دو آیه قرآن یاد شده است: یکی آیه ۹ سوره «قصص» (وَقَالَتْ إِمْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرْتُ عَيْنٍ لِي وَلَكَ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ) و دیگری آیه ۱۱ سوره «تحریم» (وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا إِمْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، بر نام زن فرعون تصریح نرفته است و از او با عنوان «امراة فرعون» یاد گردیده، اما مفسران قرآن با استناد به روایاتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از طریق ابن عباس و سعد بن جناده و ابوموسی، نام این زن را آسیه دختر مزاحم ذکر کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۵۴، ج ۱۸، ص ۱۶۴؛ ج ۲۵، ص ۱۵۵ / کاشانی، [بی‌تا]، ج ۷، ص ۷۴؛ ج ۹، ص ۳۴۶ / طباطبایی، ۱۳۵۷، ج ۳۱، ص ۲۵ / مکارم شیرازی، [بی‌تا]، ج ۲۴، ص ۳۰۲) و صاحب **منهج الصادقین** در قولی غیرمستند، آسیه را از قوم بنی اسرائیل و عمه حضرت موسی معرفی نموده است. (کاشانی، [بی‌تا]، ج ۷، ص ۷۴؛ ج ۹، ص ۳۴۶) ج هورویتس نام آسیه را تحریفی از اسنات (آسینات) می‌داند که نام همسر یوسف است و در آیه ۴۵ باب ۴۱ سفر پیدایش آمده است. (خرمشاهی، ۱۳۷۶، ذیل آیه ۱۱ تحریم، به نقل از: دائرة المعارف اسلام طبع دوم انگلیسی ۷۱۰/۷۱۰) وی بر آن است که آسیه همان نقشی را ایفا می‌کند که در کتاب مقدس عهدین، دختر فرعون بازی می‌کند. آیه ۹ سوره «قصص» نقش همسر فرعون را در باز داشتن فرعون از کشتن موسی بازگو می‌نماید. او موسی را موجب روشنی چشم خود و فرعون برمی‌شمارد و با طرح دو احتمال در حفظ موسی مانع از قتل او می‌شود. احتمال نخست آنکه امید می‌رود حفظ او سبب سودرسانی به آنها شود و احتمال دیگر آنکه ممکن است او را به فرزندی بگیرند. در واقع، جلوگیری همسر فرعون از کشتن موسی، مکمل و نتیجه‌بخش کارهایی بود که مادر و خواهر موسی انجام داده بودند و مثلث همکاری اعلام‌ناشده مادر و خواهر موسی با زن فرعون نقشی نتیجه‌بخش در پرورش‌یابی

موسی ایفا کرد. همسر فرعون با علم به اینکه ناسازواری نشان دادن در جامعه تک‌صدایی هزیننه سنگینی در پی دارد و در جامعه‌ای که در آن همگان باید مجری فرامین و تحقق‌بخش ایده‌ها و آمال حاکم جبار و مطلق‌العنان باشند راه برون‌رفتی از آن متصور نیست، با این همه، او به رغم برخورداری از تنعم فرعون، رهایی از آن نظام و عدم همزیستی با فرعون را طلب می‌کند و به‌جای بهره‌وری از تنعم فرعون، خانه‌ای در بهشت و تقرب به خدا را آرزو می‌نماید: «رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ.» (تحریم: ۱۱) همین علو روحی است که او را از آفات همنشینی با فرعون و اعوان او مصون نگاه می‌دارد و باور به خدا او را از فریبندگی‌های دنیایی حفظ می‌کند و بنا به روایات اسلامی، در زمره چهار زن بهشتی قرار می‌گیرد که افضل زنان اهل بهشت هستند. (طباطبایی، ۱۳۶۰، ج ۳۸، ص ۲۳۴ / مکارم شیرازی، [بی‌تا]، ج ۲۴، ص ۳۰، به نقل از: الدر المنثور، ج ۶، ص ۲۴۶)

### دختران شعیب

در شناسایی دختران شعیب، از آیه ۴۰ سوره «طه» (... فَلَبِثْتَ سِنِينَ فِي أَهْلِ مَدْيَنَ...) و آیات ۲۳ تا ۲۹ سوره «قصص» (وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ... لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ) می‌توان بهره گرفت. در قرآن کریم بر نام دختران شعیب و حتی اینکه این دختران فرزندان چه کسی بوده‌اند تصریح نشده است، اما منابع روایی که مأخذ مفسران و کتب قصص بوده است، به تفاوت نام دختر بزرگ را «صفورا»، «صفیرا»، «صفرا» و «صفوره» و دختر کوچک‌تر را «صفیرا»، «لیا» و «صفرا» ذکر کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۵۴، ج ۱۸، ص ۱۸۶ / کاشانی، [بی‌تا]، ج ۷، ۸۷-۸۸ / مکارم شیرازی، [بی‌تا]، ج ۱۶، ص ۶۹ / نجار، ۱۹۶۶م، ۱۶۸) در ذکر نام پدر این دختران نیز اگرچه اغلب مفسران آن دو را دختران شعیب دانسته‌اند، اما از قول سعید بن جبیر و او از وهب بن منبه، نقل شده است که آنها برادرزادگان شعیب یعنی فردی به نام «یثرون» یا «یثروب» بوده‌اند؛ چراکه در این

زمان شعیب پس از کور شدن، فوت شده و در میان مقام ابراهیم و زمزم به خاک سپرده شده بود. مستند قول وهب بن منبه، تورات بوده است که نام شیخ کبیری را - که دختر خود را به حضرت موسی تزویج نمود - «یثرون» ذکر کرده است. برخی نیز برای حل تعارض یادشده آورده‌اند که مسمای شعیب و یثرون یکی است؛ زیرا شعیب در عربی همان یثرون در زبان سریانی است. (طبرسی، ۱۳۵۴، ج ۱۸، ص ۱۸۲ / کاشانی، [بی تا]، ج ۷، ۸۷ پ)

در منابع روایی و تفسیری امامیه و اکثریت مفسران اهل سنت نام «یثرون» پذیرفته نشده است.<sup>۱</sup> به علاوه، درست است که در قرآن تصریحی بر نام شعیب به عنوان پدر دختران مذکور نرفته است، اما با توجه به اینکه از ورود موسی به آب مدین یاد کرده و در آیاتی از قرآن، شعیب را متوطن در مدین معرفی نموده است (اعراف: ۸۵ / هود: ۸۴ / عنکبوت: ۳۶)، قرینه‌ای به دست می‌شود که نام پدر این دختران شعیب بوده است. این نکته نیز شایان ذکر است که در روایتی که نام پدر دختران «یثرون» آمده است، شعیب را مدفون در مکه و بیت‌الحرام دانسته، در حالی که می‌دانیم محل زندگی شعیب فلسطین امروزی بوده است.

در آیات یادشده در سوره «قصص» راجع به دختران شعیب چند نکته در صحت عمل و اتقان نظر آنها رخ‌نمایی می‌کند. اول، تلاش آن دختران در طریق معاش و کمک به اقتصاد خانواده است؛ چرا که آشکار است از نعمت برادر محروم بوده‌اند و پدرشان نیز پیرمردی از کار افتاده (أَبُوْنَا شَيْخٌ كَبِيرٌ) بوده است. دوم، حفظ حریم‌های لازم اجتماعی در ارتباط با دیگران است. آنها نه فقط از شبانانی که گوسفندان خود را آب می‌دادند حریم می‌گرفتند و پس از آب‌دادن گوسفندان آنان، در صدد آب‌دهی گوسفندان خود بودند (لَا تَسْقَى حَتَّى يُصَدِّرَ الرَّعَاءَ)، بلکه با موسی نیز

۱. در متن عهد عتیق در سفر خروج، نام پدرزن حضرت موسی «یثرون» ذکر شده است. (باب دوم، آیات ۱۶ و ۲۲؛ باب سوم، آیه ۱؛ باب چهارم، آیه ۱۸ و باب ۱۸، آیات ۱، ۷، ۹، ۱۲، ۱۴)

که به آنها در آب‌دهی گوسفندان کمک کرده بود و او را «امین» تشخیص داده بودند، با حفظ حیا و حریم ارتباط می‌گرفتند: «فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي...» (قصص: ۲۵) سوم، تمهیدی است که این دختران با توجه به پیری پدر و نداشتن پشتوانه قدرت خانوادگی در جلوگیری از آسیب‌پذیری اجتماعی و ایجاد مصونیت در این زمینه فراهم آورده بودند و آن پرهیز از اقدام فردی در طلب معاش بود و دو خواهر با یکدیگر به کار گوسفندچرانی می‌پرداختند. علاوه بر این امور، سعی آنها در محیط‌شناسی و تشخیص درست هویت افرادی که با آنها مرتبط می‌شدند نیز از داوری آنها نسبت به موسی قابل تشخیص است؛ چنان‌که یکی از آن دو، هنگامی که موسی را دعوت به آمدن نزد پدرشان نمود تا مزد کمکی را که به آنها کرده بود دریافت دارد، به پدرش توصیه کرد که او را به واسطه توانایی و درستکار بودنش (قوی‌الامین) به کار بگیرد و حضرت شعیب بر اساس این پیشنهاد، موسی را به همسری با یکی از دخترانش در ازای هشت تا ده سال کار مخیر نمود.

### همسر عمران (مادر مریم)

در آیات ۳۵ و ۳۶ سوره «آل عمران» درباره همسر عمران آمده است: «اذ قَالَتْ إِمْرَأْتُ عِمْرَانُ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذَرَيْتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»؛ و چنین بود که همسر عمران گفت: پروردگارا! من آنچه در شکم دارم نذر کردم که آزاد از هر قید، در بند خدمت تو باشد؛ از من بپذیر که تو شنوای دانایی. و چون فرزندش را زاد، گفت: پروردگارا! من دختر زاده‌ام - و خدا بهتر می‌داند که او چه زاده بود - و پسر مانند دختر نیست و من او را مریم نام نهادم و او و فرزندانش را از شر شیطان مطرود به پناه تو داده‌ام.

نام همسر عمران بنا به روایتی از امام صادق علیه السلام «حَنَّهُ» بوده است. (طباطبایی، ۱۳۴۶، ج ۵، ص ۳۲۷/ طبرسی، ۱۳۵۰، ج ۴، ص ۴۵/ مکارم شیرازی، [بی تا]، ج ۲، ص ۳۹۳-۳۹۴) او که بر اساس تفاسیر متقدم، تا پیری صاحب فرزند نشده بود (رازی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۲۹۲) و در آرزوی فرزند به سر می برد، نذر کرد که او را وقف خدمت معبد الهی قرار دهد. یعنی در محیطی که فرزند وسیله کمک اجتماعی و نیز سرمایه معاش و یاور اقتصادی خانواده محسوب می شد و به همین سبب، فرزند پسر به عنوان عنصری نان آور مطلوب خانواده ها بود، او را وقف معبد الهی کردن و چشم داشتی از او در ازای تحمل سختی های پروراندن و رشد دادن نداشتن، نشانی از علو روحی مادر نیست؟ اگرچه حنّه متأثر از فضای فرهنگی - اجتماعی خود پس از آنکه فرزند خود را دختر - و نه پسر - دید دچار نگرانی شد، ولی از آن رو که به وعده الهی باور داشت، به آنچه به او عطا شده بود راضی شد و شاید این نگرانی به تعبیری ناشی از آن بود که فرزند دختر، امکان تحقق بخشی نذر او را نداشت؛ زیرا مراد از «محرر» در آیه یعنی: آزاد از شرایط محیط و تأثیرات آن تا بتواند آزادی بخش بردگان روحی و اخلاقی باشد (طالقانی، ۱۳۵۸، ج ۵، ص ۱۵۷-۱۵۸) و این امکان در محیط مردسالار زمانه همسر عمران برای پسران بیشتر از دختران فراهم بوده است، ولی آیه با ذکر اینکه پسر مانند دختر نیست (لَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَى)، برتری های مریم را نسبت به پسران بازگو می کند که از جمله آنها می توان صاحب فرزند پسر شدن را برشمرد.

#### مریم (مادر عیسی و فرزند عمران)

همان گونه که پیش تر بیان شد، بیشترین آیات مربوط به زنان صالح مربوط به حضرت مریم است. این آیات شامل آیات ۳۵ و ۳۶ «آل عمران» می شود که شرح آنها در ذکر مادر مریم (همسر عمران) آمد. به علاوه، آیات ۳۷، ۴۲ تا ۴۵ و آیه ۴۷

همین سوره درباره مریم است. در سوره «نساء» دو آیه (۱۵۹ و ۱۷۱)؛ سوره «مائده» ۴ آیه (۱۷، ۷۵، ۱۱۰ و ۱۱۶)؛ سوره «انبیاء» یک آیه (۹۱)؛ سوره «مؤمنون» یک آیه (۵۰)؛ سوره «تحریم» هم یک آیه (۱۲) راجع به حضرت مریم آمده است. بیشترین آیات راجع به مریم، در سوره «مریم» است که شامل ۱۹ آیه پیوسته می‌باشد و آیات ۱۶ تا ۳۴ سوره یادشده را دربر می‌گیرد.

از مجموعه ۳۶ آیه یادشده نسبت به حضرت مریم، این ویژگی‌ها مستفاد می‌شود:

۱. مقبول خداوند: «فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ.» (آل عمران: ۳۷) این ویژگی در برابر اظهار تحسر مادر او بیان شده است که آرزوی فرزند پسر داشت تا کار مردانه خدمت معبد را انجام دهد و «محرر» باشد. اما خداوند مریم را به عنوان یک عنصر غیر مرد برای انجام چنین امری می‌پذیرد و تصمیم مادرش، یعنی خواندن مریم به عنوان «عابده»، مورد پذیرش خداوند قرار می‌گیرد.

۲. پرورش یافته خداوند: «أَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا.» (آل عمران: ۳۷) مادر مریم از خداوند خواست که مریم را از شر شیطان محفوظ دارد و در پناه خود گیرد: «إِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» (آل عمران: ۳۶) و خداوند با بیان آیه صدرالذکر، خود را پرورش‌دهنده نیکوی مریم معرفی می‌کند.

۳. نعمت‌یابنده و روزی‌خور خاص خداوند: قرآن در یک بیان کلی در آیه ۱۱۰ «مائده» (اذكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ) مریم را نعمت‌یافته از سوی خداوند معرفی می‌کند و به‌طور ویژه او را در ایام رشد و نمو روزی‌خور خدا یاد کرده است: «وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا» (آل عمران: ۳۷)

۴. برگزیده: «إِصْطَفَيْكَ» (آل عمران: ۴۲) مریم نه فقط شخص قابل قبول، بلکه فراتر

از آن، فردی انتخاب‌شده و برگزیده است.

۵. برگزیده زنان: او نه فقط مقبول و برگزیده، بلکه فراتر از آن، برگزیده زنان عالم است: «اصطَفِيكِ عَلَي نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (آل عمران: ۴۲) در تفسیر شیعی از این آیه، مراد از برگزیدگی زنان عالم به عصر حضرت مریم محدود شده است. در واقع، برگزیدگی او بر زنان عالم توضیحی بر «لَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَى» است؛ یعنی برشمردن برتری‌های این زن بر جنس مرد و نتایجی که مترتب بر وجود او بوده است.

۶. زنی پاکدامن و طاهر: «طَهَّرَكِ» (آل عمران: ۴۲) در حقیقت، این پاکی نتیجه آن رشد و پرورش الهی (أَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا) است و حاصل این تربیت، پاک شدن از هرگونه پلیدی و معصیت است: «لَمْ أَكُ بَغِيًّا» (مریم: ۲۰)؛ «وَلَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا» (مریم: ۲۷)؛ «مَا كَانَتْ أُمَّكُ بَغِيًّا» (مریم: ۲۸) و به‌طور مشخص، در برابر اتهام و بهتان زناکاری است که قرآن مریم را پاکدامن و نگه‌دارنده ناموس یاد کرده است: «الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا» (انبیاء: ۹۱/ تحریم: ۱۲) و پاسخ این اعطای طهارت، امر به مریم در سجده بر خداوند کریم است: «و اسجدی». در واقع، در برابر سه ویژگی «اصطفا»، «طهارت» و «اصطفای بر زنان عالم»، خداوند از مریم می‌خواهد که در سپاس از این نعمات، سه وظیفه قنوت، سجود و رکوع همراه با دیگر رکوع‌کنندگان را انجام دهد: «أَقْنِي لِرَبِّكِ وَ اسْجُدِي وَ ارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ» (آل عمران: ۴۳)

۷. راستگو و درست‌کردار: «وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ» (مائده: ۷۵)

۸. تصدیق‌کننده کلام الهی و کتاب‌های خداوندی: «وَصَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كُتُبِهِ»

(تحریم: ۱۲)

۹. انسانی فروتن و مطیع امر الهی: «كَانَتْ مِنَ الْقَانِتِينَ» (تحریم: ۱۲)

۱۰. آیه و نشانه الهی: «جَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ» (انبیاء: ۹۱) و «وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَ أُمَّهُ

آيَةً» (مؤمنون: ۵۰)



### همسر زکریا (مادر یحیی)

چهار آیه به شرح ذیل در توصیف مادر یحیی (همسر زکریا) آمده است:

۱. «قَالَ رَبِّ اِنِّي يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَقَدْ بَلَغَنِي الْكِبَرَ وَامْرَأَتِي عَاقِرٌ قَالَ كَذَلِكَ اَللّٰهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ» (آل عمران: ۴۰)؛ گفت: پروردگارا، چگونه مرا پسری باشد، حال آنکه پیری ام بالا گرفته است و همسرم نازاست. گفت: بدین سان خداوند هر چه را خواهد به انجام رساند.

۲. «وَ اِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَّرَآءِي وَ كَانَتْ اِمْرَاْتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا» (مریم: ۵)؛ من پس از خویش از وارثان بیمناکم و همسرم نازاست؛ پس از پیشگاه خود به من وارثی عطا فرما.

۳. «قَالَ رَبِّ اِنِّي يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَ كَانَتْ اِمْرَاْتِي عَاقِرًا وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا» (مریم: ۸)؛ گفت: پروردگارا، چگونه مرا پسری باشد، حال آنکه همسرم نازاست و خود نیز از پیری به فرتوتی و فرسودگی رسیده‌ام.

۴. فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَ هَبْنَا لَهُ يَحْيٰى وَ اَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ اِنَّهُمْ كَانُوْا يُسَارِعُوْنَ فِى الْخَيْرَاتِ وَ يَدْعُوْنَآ رَغْبًا وَ رَهْبًا وَ كَانُوْا لَنَا خٰشِعِيْنَ» (انبیاء: ۹۰)؛ آنگاه دعای او را اجانت کردیم و به او یحیی را بخشیدیم و همسرش را برای او شایسته گردانیدیم. اینان به نیکوکاری می‌شتافتند و ما را از روی بیم و امید می‌خواندند و در برابر ما فروتن بودند.

همان‌گونه که از صراحت آیات پیداست، خداوند دعای زکریا را که خواهان وارثی بود، در کبر سن او - در حالی که همسرش عقیم و نازا بود - برآورده کرد و یحیی را به او ارزانی داشت و تأکید می‌نماید که زن زکریا صالح بود و در کار خیر پیشی‌گیرنده بود و از برای پروردگار خاشع و فروتن بود و ذات اقدس اله را از روی امید و بیم فرامی‌خواند.

## نتیجه

از مطالعه ۶۳ آیه مربوط به زنان صالح در قرآن، برمی آید که محیط خانوادگی زنان در تربیت و هویت‌یابی شخصیتی آنها بسیار مؤثر بوده است. از نه زن معرفی شده در قرآن به عنوان «زنان صالح»، فقط یک مورد، یعنی زن فرعون است که در محیطی نامناسب از نظر ارزش‌های اخلاقی به سر می‌برد. اگرچه مدارک موجود تاریخی از پیشینه زندگی همسر فرعون پیش از همزیستی با وی اطلاعی به دست نمی‌دهند، ولی در این تردیدی نیست که همسر فرعون از سلامت نفس و پاکی ضمیر برخوردار بوده است؛ چراکه به فرمایش پیامبر اکرم ﷺ، افرادی که از صافی ضمیر برخوردار نیستند، در برابر زیادی مال، به طغیان و خودگم‌گشتگی دچار می‌شوند. (حکیمی، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۲۱۷) دنیا که به گمراهی‌کننده انسان‌ها (آمدی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۴۳) و مال آن رئیس و پیشرو گنهکاران (همان، ص ۶۲۴) و زیادی مالش موجب فراموشی گناهان و افزایش آن می‌گردد (حکیمی، ۱۳۸۴، ج ۵۹، ص ۴) بعید است که جز انسان‌های مهذب قدرت مقابله با آن را داشته باشند. دیگر زنان صالح یادشده شامل همسر، مادر، خواهر و یا دختر پیامبران هستند. از آیات مذکور همچنین می‌توان ویژگی‌های زیر را برای زنان صالح استخراج نمود: باور به خدا، فروتنی و خشوع نسبت به خداوند، تقرب‌جویی به خدا، متوکل بر خدا، شکایا و تحمل‌کننده سختی‌ها، علو روحی و پرهیز از همگرایی و سازگاری با طواغیت و ظالمان، دارای عفاف و پاک‌دامنی و حریم‌گیری از نامحرمان، اهل تدبیر و عاطفه (عاطفی خردمند)، راغب به رحمت الهی، متصف به خوف و رجای الهی، خوشنام و دارای حسن شهرت، فعال در مسائل اجتماعی و کوشا در تنظیم معاش، پی‌گیر و شتاب‌کننده در کار خیر، قدرشناس از کارهای خیر دیگران، مشاور امین و خیرخواه، ساعی در شناخت محیط اجتماعی و تیزبین در تشخیص هویت افرادی که ناگزیر از ارتباط با آنها هستند، شاکر عملی در ازای نعمت‌های الهی، راست‌گویی و درست‌کرداری، رعایت حیا در بیان خواسته‌ها،

تصدیق‌کننده کلام الهی و کتاب‌های خداوندی، دارای اهلیت، مورد توجه ویژه قرار گرفتن و آیتی از آیات الهی برای جهانیان بودن و همسرانی شایسته. ویژگی‌های متعالی یادشده از یک سو، بر بنیاد نظری باورمندانه زنان صالح استوار است و از دیگر سو، کارآمدی و تأثیرگذاری آنها را در عرصه عمل اجتماعی بازتاب می‌دهد. بنابراین، زنان صالح نه انسان‌هایی منفعل، بلکه کنشگرانی فعالند که با آمیزش هدفمند عاطفه و تدبیر در انجام عمل خیر شتاب می‌ورزند و از هزینه‌های عمل اجتماعی می‌کاهند. آنها با حس‌آمیزی خویش، شعاع تأثیر و ژرفای نفوذ عمل اجتماعی خود را بیشتر می‌نمایند و با بهره‌گیری از زبان عاطفی به عنوان پشتوانه استدلال منطقی، هم برانگیزنده لطافت روحی و هم موجب مجاب عقلانی مخاطب می‌گردند. با رعایت همین ظرایف رفتاری است که فرمان مطاع فرعون در کشتن فرزندان ذکور، در مورد موسی توسط خود فرعون شکسته می‌شود و ضرورت قدرشناسی از کار دیگران، موسی را در وادی مدین از سرگشتگی نجات می‌دهد و به سامان زندگی می‌رساند. بنابراین، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که زنان صالح متکی بر بنیاد عقیدتی که استحکام شخصیتی و روحی آنها را موجب می‌شود به تدبیرگری در دغدغه‌های اجتماعی می‌پردازند و با توجه به لطایف روحی آدمیان، در امور مبتلا به چاره‌اندیشی می‌کنند.

## منابع

- قرآن کریم؛ ترجمه بهاءالدین خرمشاهی؛ ج ۳، تهران: نیلوفر و جامی، ۱۳۷۶.
- ۱. آمدی، عبدالواحد؛ **غررالحکم و دررالکلم**؛ ترجمه محمدعلی انصاری؛ قم: دارالکتاب، [بی تا].
- ۲. اسعدی، مرتضی؛ **جهان اسلام**؛ تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۶.
- ۳. بلاغی، صدرالدین؛ **قصص قرآن**؛ ج ۱۸، تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۱.
- ۴. جر، خلیل؛ **فرهنگ لاروس**؛ ج ۱، ترجمه سیدحمید طبیبیان؛ تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۳.
- ۵. \_\_\_\_\_؛ **فرهنگ لاروس**؛ ج ۲، ترجمه سیدحمید طبیبیان؛ تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۵.
- ۶. جوادی آملی، عبدالله؛ **زن در آئینه جلال و جمال**؛ ج ۶، قم: اسراء، ۱۳۸۱.
- ۷. حکیمی، محمدرضا، محمد حکیمی و علی حکیمی؛ **الحیة**؛ ج ۳ و ۴، ج ۵، ترجمه احمد آرام؛ قم: دلیل ما، ۱۳۸۴.
- ۸. خلیلیان، سیدخلیل؛ **سیمای زن در قرآن**؛ ج ۲، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۲.
- ۹. رازی، ابوالفتوح؛ **روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن**؛ ج ۴، به کوشش و تصحیح دکتر محمدجعفر یاحقی و دکتر محمدمهدی ناصح؛ مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۲.
- ۱۰. \_\_\_\_\_؛ **روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن**؛ ج ۱۰، به کوشش و تصحیح دکتر محمدجعفر یاحقی و دکتر محمدمهدی ناصح؛ مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۶۸.
- ۱۱. رسولی محلاتی، سیدهاشم؛ **قصص قرآن یا تاریخ انبیاء**؛ ج ۲، ج ۳، تهران: علمیه اسلامیة، ۱۳۶۱.
- ۱۲. سیاح، احمد؛ **فرهنگ جامع عربی - فارسی**؛ جلد‌های ۱، ۲، ۳، ۴، ج ۱۴، [بی تا]، کتابفروشی اسلامی، [بی تا].
- ۱۳. سیوطی، جلال‌الدین؛ **الاتقان**؛ ج ۱، ترجمه محمدجعفر اسلامی؛ [بی تا]، بنیاد علوم اسلامی، ۱۳۶۲.
- ۱۴. شعرانی، میرزا ابوالحسن؛ **نثر طوبی**؛ ج ۲، تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۹۸ ق.
- ۱۵. طالقانی، محمود؛ **پرتوی از قرآن**؛ قسمت پنجم، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۸.
- ۱۶. طباطبایی، محمدحسین؛ **المیزان**؛ ج ۵ و ۶، ترجمه عبدالکریم نیری بروجردی؛ قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم، ۱۳۴۶.
- ۱۷. \_\_\_\_\_؛ **المیزان**؛ ج ۲۰، ترجمه محمدجواد حجتی کرمانی؛ تهران: محمدی، ۱۳۴۹.
- ۱۸. \_\_\_\_\_؛ **المیزان**؛ ج ۲۷، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی؛ تهران: محمدی، ۱۳۵۵.
- ۱۹. \_\_\_\_\_؛ **المیزان**؛ ج ۲۹، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی؛ تهران: محمدی، ۱۳۵۶.
- ۲۰. \_\_\_\_\_؛ **المیزان**؛ ج ۳۱، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی؛ تهران: محمدی، ۱۳۵۷.

۲۱. \_\_\_\_\_؛ **المیزان**؛ ج ۳۸، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی؛ تهران: محمدی، ۱۳۶۰.
۲۲. طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن؛ **مجمع البیان**؛ ج ۴، ترجمه سیدابراهیم میرباقری؛ تهران: فراهانی، ۱۳۵۰.
۲۳. \_\_\_\_\_؛ **مجمع البیان**؛ جلد‌های ۵ و ۱۲، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی؛ تهران: فراهانی، ۱۳۵۱.
۲۴. \_\_\_\_\_؛ **مجمع البیان**؛ ج ۱۶ و ۱۵، ترجمه احمد بهشتی؛ تهران: فراهانی، ۱۳۵۲.
۲۵. \_\_\_\_\_؛ **مجمع البیان**؛ ج ۱۸، ترجمه احمد بهشتی؛ تهران: فراهانی، ۱۳۵۴.
۲۶. \_\_\_\_\_؛ **مجمع البیان**؛ ج ۲۳، ترجمه علی کاظمی؛ تهران: فراهانی، ۱۳۶۳.
۲۷. \_\_\_\_\_؛ **مجمع البیان**؛ ج ۲۵، ترجمه محمد رازی؛ تهران: فراهانی، ۱۳۵۸.
۲۸. طریحی، شیخ فخرالدین؛ **مجمع البحرین**؛ ج ۲، ۲، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۶۲.
۲۹. عبدالباقی، محمدفؤاد؛ **المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم**؛ بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۳۶۴ق.
۳۰. **عهدعتیق** (ترجمه تورات)؛ [بی‌جا]، [بی‌نا]، [بی‌تا].
۳۱. قرائتی، محسن؛ **تفسیر نور**؛ ج ۳، قم: مؤسسه در راه حق، ۱۳۷۵.
۳۲. \_\_\_\_\_؛ **تفسیر نور**، ج ۵، [بی‌جا]، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۷۷.
۳۳. \_\_\_\_\_؛ **تفسیر نور**، ج ۷، [بی‌جا]، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۰.
۳۴. \_\_\_\_\_؛ **تفسیر نور**، ج ۹، [بی‌جا]، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۲.
۳۵. قرشی، سیدعلی‌اکبر؛ **قاموس قرآن**؛ ج ۱ تا ۴، (ج ۳)، ج ۷ تا ۸ (ج ۸)، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۱.
۳۶. کاشانی، موسی فتح‌الله؛ **منهج الصادقین فی الزام المخالفین**؛ جلد‌های ۲ تا ۷ و جلد ۹، با مقدمه و پاورقی سیدابوالحسن مرتضوی و تصحیح علی‌اکبر غفاری؛ تهران: کتابفروشی علمیه اسلامی، [بی‌تا].
۳۷. لاپیدوس، ایرام؛ **تاریخ جوامع اسلامی قرون نوزدهم و بیستم**؛ ج ۲، ترجمه محسن مدیرشانه‌چی؛ مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶.
۳۸. لمبتون، آن. ک. س؛ **تاریخ اسلام**؛ ج ۲، ترجمه احمد آرام؛ تهران: امیرکبیر، [بی‌تا].
۳۹. معلوف، لوئیس؛ **المنجد فی اللغه**؛ ج ۲، [بی‌جا]، اسماعیلیان، ۱۳۶۵.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر؛ **تفسیر نمونه**؛ جلد‌های ۲، ۹، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۲۲، ۲۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه، [بی‌تا].
۴۱. نجار، عبدالوهاب؛ **قصص الانبیاء**؛ قاهره: مؤسسه الحلبی و شرکاه، ۱۹۶۶م.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی